

نگاهی به وظایف ملی ما در این مرحله تاریخی

راهها و وسایل نیل به پیروزی

جریده پرچم، شماره (اول) پنجشنبه ۲۳ حوت ۱۳۴۶، ۱۴ مارچ ۱۹۶۸



تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلې

سرلوحه قانون اساسی کشور میگوید: «به منظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعات تاریخ و فرهنگ ملی- بمنظور تامین عدالت و مساوات به منظور تطبیق دموکراسی سیاسی اقتصادی و اجتماعی . . . و در نهایت به منظور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی» بر مبنای اصول جهان بینی علمی خلاق و ایدئولوژی پیشرو عصر ما و انطباق بر شرایط کنونی جنبش افغانستان، بر اساس روحیه وطن پرستی و ماهیت بشریت زحمتکش، به منظور تشکیل جامعه ای آزاد از تناقضات طبقاتی، فارغ از بهره کشی انسان از انسان و آزاد از اسارت و ستم ملی به حیث «هدف غایی».

اعلام میداریم که پرچم مقدس جهاد و مبارزه ضد ارتجاع داخلی و خارجی را تا مرگ و پیروزی سربلند و استوار نگه خواهیم داشت.

ولی درک این مسئله در مبارزه اهمیت عظیم کسب میکند که در کشور ما در مرحله تاریخی کنونی تضاد عمده بین توده های عظیم دهقان و مستی از فئودالها و خلق و امپریالیزم حل نگردیده و هنوز نظام استبدادی و بقایای ارتجاع قرون وسطائی و استعمار در جامعه موجود است، لهذا افغانستان در مرحله مبارزه و جنبش دموکراتیک و ملی قرار دارد نه در مرحله «هدف غایی» که بعضی ها ناشیانه و عوام فریبانه آنرا بحیث مسئله روز و جزء وظایف و هدف نزدیک سیاسی طرح میکنند.

جنبش دموکراتیک و ملی در واقعیت امر به منزله تدارک ضروری و مقدمه یی برای جنبش مرحله «هدف غایی» که بصورت اجتناب ناپذیر دنباله جنبش دموکراتیک است بشمار میرود.

در جنبش دموکراتیک و ملی افغانستان که مشی عمومی در یک دوران تاریخی تعیین گردیده است، اکثریت عظیمی خلقهای افغانستان اعم از کارگران، دهقانان و پیشه وران (زحمت کشان شهر و ده)، ترقی خواهان، روشن فکران و دیگر قشرها و عناصر ملی، دموکراتیک، وطن پرست و همچنان صاحبان ملکیت های متوسط و کوچک شهر و ده و سرمایه داران ملی (بورژوازی ملی) اشتراک خواهند داشت.

هدف عمده و وظیفه ملی ما در مرحله تاریخی کنونی نیل به ایجاد حکومت دموکراسی ملی است. حکومت دموکراسی ملی در کشور بر بنیاد جنبش وسیع خلق های کشور به صورت مهم ترین نقطه چرخش مبارزه ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم پدید می آید.



استقرار حکومت دموکراسی ملی در افغانستان مظهر پیروزی نیروهای وطنپرست و دموکراتیک علیه فئودال ها، تجار بزرگ دلال وابسته به استعمار، بورژوا- بیروکراتیکی (مامورین عالیرتبه فاسد تاجر پیشه و رشوه ستان) و ماهیت و پدیده های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی استعمار و امپریالیزم خواهد بود. استقرار این دموکراسی در واقعیت امر زمینه مقدماتی حکومت اصیل مردم بر مردم را تهیه خواهد دید.

دموکراسی ملی در افغانستان که سازمان نظام آنرا نمی توان قبلاً با مشخصات آن طرح ریزی کرد ترکیبی است از استقلال کامل ملی (سیاسی و اقتصادی)، دموکراسی کردن زندگی سیاسی و اقتصادی و تسریع رشد مترقی تولید (رشد سریع اقتصاد) و احداث صنایع بزرگ ملی از طریق غیرسرمایه داری که در جریان تکامل خود به «هدف غایی» منتج میگردد.

حکومت دموکراسی ملی افغانستان که با راه رشد غیرسرمایه داری پیوند ناگسستنی دارد حکومتی خواهد بود که بر ضد اشکال جدید استعمار و یوغ سرمایه امپریالیستی مبارزه می کند و حکومت به شیوه دیکتاتوری و استبدادی را نفی می کند و حقوق و آزادی های دموکراتیک و همچنان اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی را به نفع دهقانان اجرا مینماید.

اندیشه دموکراسی ملی به حیث هدف استراتژیک در مرحله تاریخی کنونی مظهر رشد و تکامل تیوری و پراکتیک جریان مبارزه رهایی بخش ملی به سویه جهانی است که با شرایط کشور ما کاملاً وفق می کند و شرط لازم گذار جامعه ما (به اشکال مختلف که شرایط حکم مینماید) به «هدف غایی» میگردد.

تعقیب راه رشد غیرسرمایه داری در کشوری که امکان تهیه مقدمات آن در حال پیدایش است، در واقعیت امر تا حدودی معین همان نقش تاریخی است که مطابق به قوانین تکامل اجتماعی می بایست سرمایه داری (که ارتجاع و استعمار مانع رشد بهنگام آن گردیده است) به حیث تدارک مادی و اجتماعی جامعه ای که «هدف غایی» ماست ایفا میکرد.

بنیاد طبقاتی حکومت دموکراسی ملی مرکب از طبقات و قشرها و نیروهای اجتماعی وطنپرست و دموکراتیک میباشد که در بالا از آنها نام برده شد. (درباره مسئله رهبری طبقات و پیشاهنگان در جنبش و تحلیل علمی آن بنابر شرایط اجتماعی و ملی کشور در مقالات آینده جریده پرچم وسیعاً بحث خواهیم کرد)

سوال جدی درینجاست که آیا حکومت های افغانستان می توانند نوعی از حکومت های دموکراتیک محسوب شوند؟ جواب منفی است «زیرا پایه های قوی دولت در افغانستان از سالیان دراز بالای طبقات ارتجاعی ضد دموکراسی و ضد خلقی استوار است . . .» (از بیانیه فرکسیون د.خ. در ولسی جرگه.)

سوال دیگری طرح میگرد که پس «چه باید کرد» تا حکومت دموکراسی ملی ایجاد شود، وظایف ملی ما در مرحله تاریخی کنونی اجرا گردد و جنبش به مرحله نهایی خود نایل آید؟ بزرگترین امر برای تحقق بخشیدن وظایف ملی، درک این مسئله حیاتی است که حلقه اساسی مبارزه و پیشبرد جنبش در راه استقرار دموکراسی ملی عبارت است از ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی پایه دار و تقویت روزافزون آن در آینده نزدیک.

در همان بدو امر تشخیص دادیم که نیل به این امر تاریخی در قدم اول ایجاب می کند که باید وحدت کلیه محافل و عناصر پراکنده ترقیخواه و وطنپرست در یک جریان واحد و یکپارچه که تیوری پیشرو رهنمای عمل آنهاست در چوکات اصول به ترتیبی تأمین گردد که: از طبقه پیشرو زحمتکش کشور پیشاهنگی گردد . . . ، یک مرام جامع و علماً تحلیل شده که منافع عموم خلق های کشور و منافع عمده متحدین ما را در این مرحله معین تاریخی از لحاظ هدف های سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تأمین کند، به وجود آید. (این مرام در شماره اول و دوم جریده خلق انتشار یافت.) نظام و ساختمان درونی آن بر اساس موازین جهان بینی علمی و بر جهات اساسی مرکزیت دموکراتیک، انتقاد و انتقاد از خود استوار باشد، شرایط کشور خط مشی عمومی و جاری و شعار های موافق به روز خود را تعیین نماید (که در جلسات رای اعتماد به حکومت شاغلی اعتمادی از طریق بیانیه های فرکسیون دموکراتیک خلق در ولسی جرگه وسیعاً پخش گردید) در مبارزه روزمره شرکت خلاق و فعال کند و پیوند خود را با مردم به وجود آورد. و مبارزه بیرونی آن در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی و ملی اعم از ایدئولوژیک سیاسی و اقتصادی و شیوه ها و اشکال مختلف مبارزه متناسب به شرایط در نظر و عمل (تیوری و پراکتیک) صورت گیرد از اصول جهان بینی علمی در برابر انحراف رفرمیستی و ماجراجویی و بدعتگری چپ و راست دلیرانه دفاع کند، وحدت و همبستگی را چون مردمک چشم خود حفظ نماید، خصوصیت ملی و خلقی را در خود پرورش دهد، وطنپرستی و فعالیت بر مبنای ملی را با احساس نجیب بشریت مترقی بخاطر تحول بنیادی در کشور درآمیزد.

ما علماً معتقدیم که جامعه ما از لحاظ عینی و ذهنی امکانات دارد که حرکت خود را در راه رشد نهضت دموکراتیک و ملی و ایجاد جبهه متحد و حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیرسرمایه داری تحت رهبری هر یک از طبقات دموکراتیک شروع کند. ولی بخاطر باید داشت که به پیروزی

رساندن و انجام این وظایف جنبش ملی ضد ارتجاع، ضد امپریالیستی و دموکراتیک به طور پیگیر و انتقال به «هدف غایی» و ساختمان جامعه واقعاً مرفه و مترقی صرف به نیروهای پیشرو جامعه یعنی کارگران به اتحاد دهقانان و به رهبری نیروهای واحد ترقی خواه و پیشاهنگ آن که هسته و ستون فقرات جبهه متحد دموکراتیک و ملی افغانستان را تشکیل خواهد داد امکان پذیر است. در این جاست که نیروهای پراکنده ترقی خواه وطن پرست کشور از مسئولیت عظیم و وظیفه مشترک تاریخی خود آگاه باشند و باید در قدم اول وحدت کلیه افراد و محافل و جریان‌های ترقی خواه و دموکراتیک کشور بر مبنای وحدت ایدئولوژیکی، مرامی، ساختمانی . . . و خط مشی و رهبری تأمین گردد و از تفرقه و روحیه سیکتاریستی و لغزیدن به چپ و راست احتراز جویند و بدون وارد کردن اتهامات شخصی، الزام بی دلیل و فحاشی در برابر یکدیگر (این شیوه مبارزه فاسد کننده پیوسته در سیر تاریخ مبارزات ملی خواست و نقشه طبقه حاکمه ارتجاعی و توطئه گران استعماری بوده است) در چوکات اصول یکپارچه شوند و اختلافات خود را بر مبنای مرکزیت دموکراتیک، بر مبنای اصل (وحدت، انتقاد و انتقاد از خود، اعتراف و مباحثه آزاد و اصولی و ایجاد وحدت) صمیمانه حل کنند، و یا حد اقل در بدو امر وحدت عمل علیه ارتجاع داخلی و بین المللی را تأمین نمایند.

نیروهای ترقی خواه کشور متوجه خواهند بود که ارتجاع بی رحم و توطئه گر در کمین است و حلقه اختناق را با حیل گوناگون تنگتر میسازد! درست ترین راه و نیرومند ترین وسیله و سلاح نجات مردم در گام اول وحدت و یکپارچگی نیروهای ترقی خواه و از بین بردن مرحله محفل بازی و خرده کاری و خرده گیری است. ما به کلیه محافل ترقی خواه کشور صادقانه اعلان می نماییم که «نقض وحدت در پرده فریاد های وحدت طلبی» خیانت به امر جهان بینی علمی خلق کارگر و وطن محبوب ما افغانستان است. ما در چوکات اصول (اقلاً در عمل منحیث مقدمه وحدت کامل) ایجاد وحدت نیروهای ضد ارتجاع، ضد امپریالیزم و ضد جنگ را در عرصه ملی و بین المللی یک ضرورت تاریخی میدانیم. ما معتقدیم که بدون وحدت ترقی خواهان کشور بسط و توسعه و به پیروزی رسانیدن جنبش دموکراتیک و ملی و ایجاد جبهه متحد در زمینه ناممکن است. ما روی ایمانی که به خلق و مبارزه داریم، پرورش و تبارز هرگونه خودخواهی، رهبری شخصی، و بلند پروازی را در خویشتن خیانت به امر وحدت میدانیم. زیرا ملاک قضاوت ما اصول جهان بینی علمی، منافع خلق و وطن است و به رنجهای اکثریت عظیم خلق های خود می اندیشیم. ما از صمیم قلب حاضریم که به انتقادات اصولی ترقی خواهان که از اندیشه های وطنپرستانه دموکراتیک خلق می نمایند، با تواضع و شیوه مترقی گوش فرا دهیم و هرگاه نظرات انتقادی آنها درست باشد ما علناً اعتراف خواهیم کرد، تا حضوری تبادل نظر و محاکمه و قضاوت رفیقانه صورت گیرد.

ترقی خواهان! رسالت تاریخی ماست تا علیه نفاق و افتراق دلیرانه در کادر اصول و اخلاق مترقی مبارزه کنیم، کانون گرم خانواده ترقی خواهان وطن پر ارج افغانستان را به وجود آوریم! فضای صمیمیت و رفاقت، فداکاری و همکاری را هرچه زودتر و مستحکم تر در خود ایجاد کنیم! زمان از دست می رود، مردم ما شدیداً رنج می کشند! نیروهای ارتجاع، استبداد و استعمار و امپریالیزم هر روز بر فراز کشور سایه تاریک وحشتناک خود را می اندازند.

مسئولیت عظیم تمام محافل، عناصر و نیروهای دموکراتیک، وطنپرست و به خصوص در مرکز آنها نیروهای ترقی خواه کشور است که اتحاد و وحدت درونی خود و اتحاد خود را با یکدیگر و با پرچمداران پیشرو و کشف دموکراتیک خلق در یک صف و یک جبهه متحد به خصوص در قدم اول در ساحه با در نظر گرفتن وجوه مشترک (نه وجوه افتراق) به وجود آورند و در راه ایجاد یک حکومت دموکراسی ملی به جهت «هدف غایی» مبارزه کنند.

عناصر پراکنده ترقیخواه کشور باید متوجه باشند که رو گشتاندن از نیروهای ملی، دموکراتیک و وطن پرست (بنا بر اختلاف نظر ایدئولوژیکی در بین ما و آنها) منحرفترین و بدترین مظهر منفرد شدن از مردم (سیکتاریزم) و جزمیت (دگماتیسم) و موضع گیری تنگ نظرانه و خودخواهانه میباشد که در نتیجه در مبارزه ای تحقق مرام دموکراتیک خلق و پیشبرد جنبش دموکراتیک ملی ضد فنودالیزم و ضد امپریالیزم یک اشتباه غیرقابل عفو استراتژیکی بشمار خواهد رفت.

در حالیکه اکیداً ایجاد یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی ضد استبداد، ضد ارتجاع، ضد استعمار را در وضع موجود و ضد فنودالیزم و ضد امپریالیزم را در مرحله تاریخی کنونی به حیث وظایف ملی مورد توجه و هدف اساسی باید قرار داد بازهم نمی توان سعی و کوشش فراوان در راه وحدت کلیه ترقی خواهان کشور و ایجاد اصولیت در بین آنها را برای یک لحظه از یاد برد. زیرا بدون وحدت تمام عناصر ترقیخواه در یک جریان به پیروزی رساندن نهائی جنبش ممکن نیست.

«وطن محبوب ما افغانستان تاریخ کهن، سنن پرافتخار، نیروهای انسانی و ثروت های طبیعی فراوان دارد» خلق های زحمتکش و نجیب کشور ما آرزومند جدی ترقی و رشد سریع اقتصادی و فرهنگی اند. از اینرو باید آنها را متشکل ساخت و به آنها شعور طبقاتی و سیاسی داد. توده های مردم با صمیمیت و پاکی از جنبش پشتیبانی می کنند.

اگر در کشور ما افغانستان یک حکومت دموکراسی ملی استقرار یابد، افغانستان به صورت قطع می تواند که از طریق راه رشد غیر سرمایه داری و تجهیز درست منابع انسانی و طبیعی و رهبری

جامعه با اسلوب مجرب علمی در جهت آزادی و ترقی در موعده تاریخی کوتاه و فشرده ای بدون گذشتادن درد و رنج طولانی و ذاتی سرمایه داری به عقب مانده گی دیرینه و مزمن خود خاتمه دهد.

تحقق این وظایف ملی در مرحله تاریخی کنونی به عهده نیروهای ترقی خواه است که در قدم اول یک پارچه واحد آهنین را تشکیل داده و با هم روی چوکات اصول جهان بینی علمی و رهبری دستجمعی وحدت را تأمین کنند.

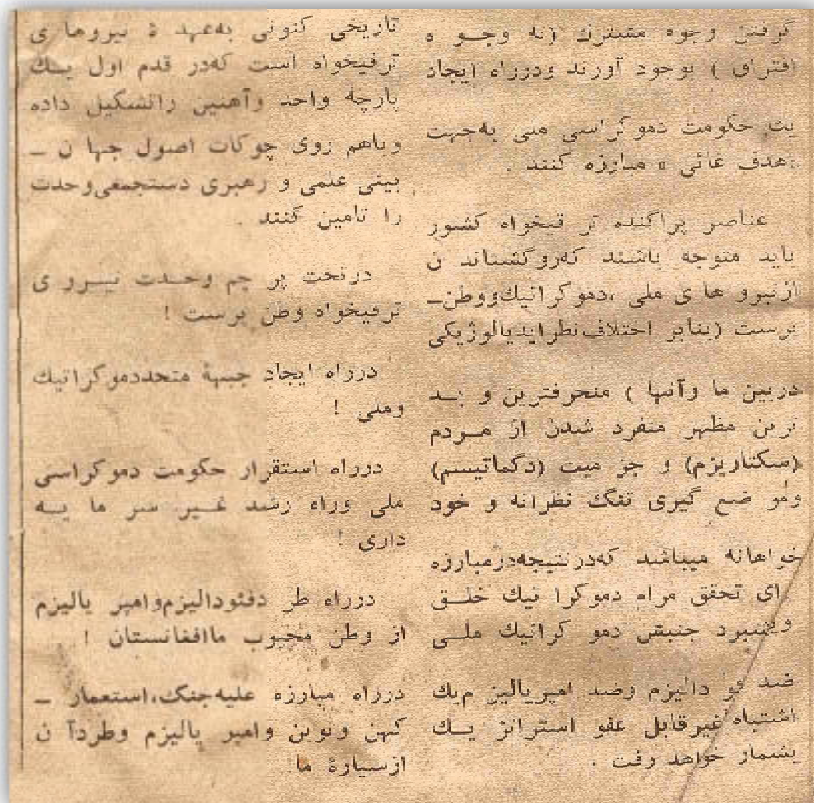
در تحت پرچم وحدت نیروی ترقیخواه وطن پرست!

در راه ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی!

در راه استقرار حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیرسرمایه داری!

در راه طرد فئودالیزم و امپریالیزم از وطن محبوب ما افغانستان!

در راه مبارزه علیه جنگ، استعمار کهن و نوین و امپریالیزم و طرد آن از سیاره ما!



www.esalat.org